



اسطوره‌های بلخی و مروی باستان بر روی مهرها و تعویذهاشان

وکتور ساریانیدی

ترجمه:

سید رسول سیدین بروجنی
ثریا الیکای دهنو

سرشناسه: ساریانیدی، ویکتور ایوانوویچ Sarianidi, Victor Ivanovich

عنوان و نام پدیدآور: اسطوره‌های بلخی و مروی باستان بر روی مهرها و تعویذهایشان / ویکتور ایوانوویچ ساریانیدی:

ترجمه سیدرسول سیدین بروجنی، ثریا الیکای دهنو.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۳۹۶.

مشخصات ظاهری: ۳۳۸ ص. مصور

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۳۲-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Myths of ancient Bactria and Margiana on its seals and amulets

موضوع: اسطوره — تاریخ.

موضوع: Myth--History

شناسه افزوده: سیدین بروجنی، سیدرسول، مترجم

شناسه افزوده: الیکای دهنو، ثریا، مترجم

شناسه افزوده: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ الف ۲ س / BL۳۱۲

رده‌بندی دیویی: ۳۰۱/۱۱۱

شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۵۳۷۶۰

ی: جلد: مهر زرینی از بلخ
ست جلد: مهر سیمینی از مرو



اسطوره‌های بلخی و مروی باستان بر روی مهرها و تعویذهایشان

Myths of Ancient Bactria and Margiana on its Seals and Amulets

ویکتور ساریانیدی

ترجمه:

سیدرسول سیدین بروجنی، ۱۳۴۶، ثریا الیکای دهنو، ۱۳۴۸

ناشر: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

ویراستار: سیدرسول سیدین بروجنی

گرافیک کامپیوتری: الهام امیدی، سیدرسول سیدین بروجنی

امور هنری: وحید روزبهانی؛ آتلیه نشر ایران‌نگار

صفحه‌آرایی: خسرو نوروززاده چگینی

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

بها: ۴۰۰۰۰ تومان

چاپ نخست: ۱۳۹۶ خورشیدی

شماره کتابشناسی ملی ایران:

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۴۱۲-۳۲-۸

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

نشانی: تهران: خیابان امام خمینی (ره)، ابتدای خیابان سی تیر، تلفن: ۶۶۷۳۷۰۰۷

رایانامه: ch.publish@yahoo.com

نشانی اینترنتی: www.ichtobook.ir

دیباچه

فرهنگ ایرانی، فرهنگی مانا و پایدار است و سبب این ماندگاری، سه ویژگی انعطاف‌پذیری، تعامل فرهنگی و در نهایت هویت ملی است که علیرغم تنوع و تکرر موجود در جامعه امروزی به انسجام ملی کمک نموده است. شناخت فرهنگ گسترده این سرزمین کهنسال، تنها راه شناخت هویت ملی است و آن نیز عزت ملی را به همراه می‌آورد. عزت ملی از گسیختگی فرهنگی ممانعت نموده و سرانجام انسجام و قدرت ملی را فراهم می‌سازد.

در ارتباط با موارد مذکور فعالیت هر پژوهشکده پژوهشگاه میراث فرهنگی بر بخشی از فرهنگ گسترده ایرانی حسب تکلیف تعیین شده بر آن، متمرکز است. عظمت این گستردگی فرهنگ و تمدن به گونه‌ای است که برای شناخت دقیق آن باید در فرهنگ کشورهای مستقل کنونی استمرار یافته در منطقه نیز تامل نمود.

با نگرش سریع بر اهداف تشکیل پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و در راستای تحقق آن و فراهم ساختن بستری مناسب برای ارتقای کیفی فعالیت‌های پژوهشی مرتبط و قدرت بخشیدن و پر رنگ ساختن حلقه‌های فرهنگی فراموش شده و احیای هنرهای از یاد رفته این مرز و بوم و همچنین در راستای انجام ششمین وظیفه برشمرده برای پژوهشگاه، گام مصمم این است که گزیده تحقیقات معمول شده در هر یک از رشته‌های مذکور به ویژه آثاری که حاصل تتبعات مشترک پژوهشگاه و موسسات تحقیقاتی و آموزشی همپراز بین‌المللی به صورت ممکن در وضعیت نشر قرار گیرند که ماحصل آن طریقه‌ای است برای کاربردی کردن دانش به منظور رفع نیاز جامعه و تحقق اهداف برنامه اسرار پژوهشگاه در راستای سند چشم انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران.

بار دیگر اذعان می‌نمائیم پژوهش عامل و مبنای پیشرفت و توسعه مستمر پایدار در جامعه امروزی و به بیان ساده اصل حاکم بر جوامع قرن بیست و یکم است؛ لذا برای ایجاد برآیند حاصل از نتایج و تحولات علمی مرتبط با آن، تدوین و انتشار یافته‌ها و دانش مرتبط با آن و مستندات مربوطه می‌تواند عامل موثری برای شناخت وضعیت حاضر و ابزاری برای بهینه‌سازی برنامه‌های دست انجام و نیز راهنمایی برای نسل آینده در راستای شناسایی و معرفی و هویت بخشی ایران، باشد.

به علت گستردگی حوزه فرهنگ و تعدد عوامل تاثیر گذار بر آن حرکت در جهت معرفی و شناسایی فرهنگ ملی و میراث مرتبط با آن می‌تواند اولین گام باشد لذا پژوهشگاه بر آن است با همکاری پژوهشگران و استادان این رسالت را انجام دهد و امیدوار است با حرکت در این مسیر دست همیاری و همراهی شما را در دست گرفته تا بتواند گام موثری در این راستا بردارد.

پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

محتوی:

• سپاسگزاری

۱۱ - زمینه فرهنگی و تاریخی

۱۳ - گروه‌های اصلی تصاویر

۲۰ - توضیحات مقدماتی

گروه ۱. انسان ریخت

۲۲ - ۱ - خدایانی که بر تخت‌ها، جانوران یا اژدهایان نشسته‌اند

۲۴ - ۲ - خدایان انسان ریخت

۲۴ - ۳ - "معشوقه جانوران"

۲۵ - ۴ - خدایان زانورده

۲۸ - ۵ - قربانان در نبرد با اژدهایان

۲۸ - ۶ - قربان‌ها

۲۹ - ۷ - انسان‌ها.

گروه ۲. مارها و اژدهایان

۳۴ - گروه ۳. موجودات افسانه‌ای

۳۵ - گروه ۴. جانوران و پرندگان

۳۹ - گروه ۵. بندپایان و گیاهان

۴۰ - گروه ۶. مهرها و تعویذهای شخصی

کاتالوگ:

۴۳ بلخ

۲۷۷ مرو

۲۲۱ کتابنامه و اختصارات

۲۴۲ واژه‌نامه

۲۴۳ نمایه

پیشگفتار و سپاسگزاری

کتاب پیش رو ترجمه‌ای از کتاب "Myths of ancient Bactria and Margiana on its seals and amulets" است که در سال ۱۹۹۸ م. در مسکو انتشار یافت. نویسنده این کتاب ویکتور ایوانویچ ساریانیدی (۱۹۲۹-۲۰۱۳ م.) در ۲۳ سپتامبر ۱۹۲۹ در شهر تاشکند، در یک خانواده مهاجر یونانی، زاده شد. وی در سال ۱۹۴۸ م. برای نخستین بار در کاوش رصد خانه آلف بیگ در سمرقند شرکت کرد. در آن زمان دانشگاه دولتی آسیای مرکزی در تاشکند جزء شوروی سابق بود و پروفیسور میخائیل یوگنیویچ مسون (Mikhail Yevgenievich Masson) رشته‌ی باستان‌شناسی را در این دانشگاه بنیانگذاری کرد. ساریانیدی یکی از شاگردان به نام و توانای مسون بود. او علاقه شدیدی به باستان‌شناسی آسیای مرکزی پیدا کرد و در کاوش‌های باستان‌گاه‌های (محوطه‌های باستانی) طاه‌ی‌ربابی، یازتبه، تپه‌ی جیتون، تپه‌ی نمازگا و چند محوطه دیگر در جنوب ترکمنستان شرکت کرد. وی در سال ۱۹۵۹، سه سال پس از فارغ‌التحصیلی از دانشگاه تاشکند، به شهر مسکو رفت و به عضویت مؤسسه باستان‌شناسی آکادمی علوم شوروی (اکنون آکادمی علوم روسیه (The Russian Academy of Sciences)) درآمد. در سال‌های بعد با اکتشافاتی که در جنوب ترکمنستان صورت گرفت توجه وی به به عصر مفرغ این منطقه معطوف گشت و در جنوب ترکمنستان، در گتوکسیر (دلتای تجن سابق)، محوطه‌های عصر مفرغ را مطالعه کرد. وی مطالعاتش را در ۱۹۶۳ م. به صورت پایان‌نامه ارائه داد و بر اساس آن در سال ۱۹۶۵ م. نخستین کتاب خود، آثار باستانی جنوب شرقی ترکمنستان در عصر مفرغ قدیم، را منتشر کرد. ساریانیدی ناحیه‌ی جنوب ترکمنستان، فلات مصریان تا کرانه‌های جیحون (آمودریا) را بررسی کرد. با وجود این، تمرکزش بیش از سایر نواحی بر جنوب شرقی ترکمنستان بود. او همزمان به مطالعه‌ی بلخ/باختر باستانی پرداخت. بخش شمالی سرزمین یاد شده در جمهوری‌های نوین تاجیکستان و ازبکستان (شوروی سابق) و بخش جنوبی آن در شمال کشور افغانستان واقع شده است. به این دلیل، وضعیت و روند تحقیقات باستان‌شناسی در این دو منطقه شکل متفاوتی داشته است. در باختر جنوبی، شمال افغانستان، از سال ۱۳۲۲ م. باستان‌شناسان فرانسوی و در سال‌های بعد ایتالیایی‌ها، آلمانی‌ها، ژاپنی‌ها و آمریکایی‌ها کاوش کرده‌اند. در باختر شمالی، باستان‌شناسان شوروی سابق و به ویژه باستان‌شناسان کشورهای امروزی ازبکستان و تاجیکستان، کاوش می‌کردند. در سال ۱۹۶۹ م. گروه مشترک باستان‌شناسان شوروی و افغانستانی در شمال بلخ کاوش‌های را آغاز کردند. ساریانیدی نیز گروهی از همکاران باستان‌شناس آسیای مرکزی خود را در کاوش‌های سرپرستی می‌کرد. وی در این کاوش‌ها، در باستان‌گاهی مایی چون فرخ‌آباد، دولت‌آباد و داشلی موفق به کشف آثاری از عصر مفرغ شد. ساریانیدی طی این پژوهش‌ها اطلاعات بسیاری در باره عصر مفرغ به دست آورد. وی در دهه ۱۹۷۰ میلادی برای معرفی مرحله پیشرفته فرهنگ عصر مفرغ آسیای مرکزی (۲۳۰۰-۱۷۰۰ پ.م.) اصطلاح «مجموعه باستان‌شناختی بلخ-رو» (Bactria-Margiana Archaeological Complex) (به اختصار BMAC) را وضع کرد. او در سال ۱۹۷۵ م. پایان‌نامه‌ی دکتری خود را به نام «افغانستان در عصر مفرغ و آهن»، بر اساس نتایج کاوش‌های خود در افغانستان، در علوم تاریخی کسب کرد و در سال ۱۹۷۷ م. آن را به صورت کتاب منتشر کرده است. (بخش عمده‌ای از مطلب بالا برگرفته از ویژه‌نامه مجله باستان‌پژوهی، جهان‌های خاموشی (۴)، از مقاله «نشانه‌های پیشازرتشتی در مرگوش» است.)

ساریانیدی تقریباً در ۵۰ فصل در کاوش‌های ترکمنستان و در میان سال‌های ۱۹۶۹-۱۹۷۰ م. در افغانستان شرکت داشت. او در سال ۱۹۷۹ در شهر شبرغان (Shibergan) - مرکز ایالت جوزجان - افغانستان، یکی از بزرگترین گنجینه‌های زرین به دست آمده در تاریخ جهان - آرامگاهی ناشناخته از پادشاهان کوشان-باختری - احتمالاً مربوط به ۱۰۰ م. را کشف نمود. این گنجینه شامل بیش از ۲۰۰۰ تکه اشیاء زرین از جمله اشیاء هنری است. در سال‌های اخیر، ساریانیدی در ترکمنستان، سرزمین اقوام دیوپرست ایرانی که اعتقادشان زمره‌شناسی دین زرتشتی را فراهم کرد، کاوش‌های بزرگ مقیاسی را به انجام رساند که منجر به کشف تمدن ناشناخته‌ای متعلق به ۲۰۰۰ پ.م. شد. به جز آثار در ترکمنستان، ما کشور دیگری را نمی‌شناسیم که با مارگاو (Margav)؛ ذکر شده در اوستا، یا مرگوش/مرغوش (Margush)، به ایرانی باستان؛ و مرغیانه/مرگیانا، به لفظ نویسندگان یونانی باستان، بیشتر از کشور ترکمنستان همخوانی داشته باشد. فرهنگ مرغیانه نشان داده که بسیار پیشرفته بوده است، و روز افزون، دانشمندان بیشتر و بیشتری عصر مفرغ آسیای مرکزی را یکی از تمدن‌های اصلی دوره‌ی باستان؛ همپایه تمدن‌های میانرودان، مصر، هند، و چین؛ می‌دانند. به واقع، بوستون گلوب (Boston Globe)، اول ژانویه ۱۹۹۰، در واقع کشور کشف شده توسط ساریانیدی را پنجمین مرکز تمدن جهانی نامید. ساریانیدی نویسنده ۲۰ کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله است. او عضو افتخاری «جامعه انسان‌شناختی یونان» (آتن) نیز بود. ساریانیدی در سال ۱۹۹۶ م. به یونان نقل مکان کرد. وی در شب ۲۲ دسامبر سال ۲۰۱۳ م. در مسکو درگذشت.

در پایان مایلم از پژوهشگاه میراث فرهنگی، پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشکده حفاظت و مرمت، و انتشارات به خاطر فراهم کردن شرایط و زمینه کار سپاسگزاری می‌نمایم. سپاس دیگر من معطوف به عزیزی است که در فرایند انجام دادن کار یار و یاور ما بودند: از سرکار خانم جاوید خواه به خاطر باز طراحی اثر مهر بلخی که در ابتدای فصل بلخ استفاده شد، از سرکار خانم ثریا الیکای دهنو به خاطر معرفی کتاب برای ترجمه، از جناب آقای علی‌اکبر وحدتی برای در اختیار قرار دادن نسخه کامل‌تری از کتاب مذکور، و از خانم الهام امیدی برای همراهی در کارهای گرافیک کامپیوتری. سپاس پایانی من متوجه همسر گرانقدرم، لیلا هنرمند است که در فرایند ترجمه، زمانی را که باید به او اختصاص می‌یافت، بذل نمود تا صرف ترجمه کتاب شود.

ویکتور ساریانیدی که به عنوان متخصص و کارشناس برجسته پژوهش‌های میدانی باستان‌شناسی شناخته می‌شود، در این اثر به تفسیر تصویرنگاری مهرها و تعویذها می‌پردازد. به دلیل اینکه او نتایج کاوش‌های خود را با سرعتی مثال‌زدنی به چاپ رسانده است؛ ما درباره دژهای شگفت‌انگیز بلخ و مرو، واقع در مرز فلات ایران و جلگه‌های کویری که رود جیحون از آن می‌گذرد و به سمت شمال افغانستان امروزی می‌رود، چیزهای بسیاری آموخته‌ایم. مورخان کلاسیک به ما می‌گویند که کوروش بزرگ، پیش از آنکه زندگی خود را در جنگ با صحرانشینان آن‌سوی مرزها از دست بدهد، استان‌های شرقی امپراتوری پهناور خود را مستحکم نمود. در این میان، سازه‌های بسیار عظیم و باشکوهی در کاوش‌های اخیر کشف گردیده که ۱۵۰۰ سال قدیم‌تر از استحکامات ساخته‌ی کوروش است؛ این سازه‌ها وجود تمدن شهری ناشناخته و قدیمی‌تری را گواهی می‌دهد، و در اینجا می‌توان طرح پرسش کرد که: آیا این تمدن، از برخی جنبه‌ها، زمینه‌ساز دستاوردهای تمدنی امپراتوری [هخامنشی] ایران بوده است. درواقع، اشیاء به‌دست‌آمده از آرامگاه‌هایی که در نزدیک و مجاور این دژها قرار دارند نشان دهنده همسانی داده‌های آن با سایر تمدن‌های هم‌زمان ایران، به‌ویژه با تمدن ایلام است. این به چه معناست؟ ایلام باستان عملاً تنها عینیت تاریخی در ایران است که پیش از مهاجرت ایرانی‌ها وجود داشته است. این پادشاهی به‌طور بنیادین دارای ویژگی دوگانه بود، برای اینکه یک بخش آن در دشت فارس امروزی و دره‌های اطراف آن بود، و دومی در جلگه شوشان یا خوزستان کنونی قرار داشت. بخش اخیر از این کشور، نوعی میانرودان کوچک بود که تا قسمت شرقی همسایه بزرگ خود که توسط سومری‌ها و بعداً بابلی‌ها اشغال شده بود گسترش یافته بود؛ مردم آن به لحاظ فرهنگی با آن‌ها شباهت داشتند، تا حدودی مانند "عرب‌ها" در روزگار ما. ایلام بدینسان "رقبای سروری" ری، "کوه‌نشینان، به‌ویژه ایلامی‌ها، و شوشانی‌ها را که از نظر زبان و فرهنگ سامی بودند را متحد نمود.

رقبای سومری‌های اولیه در دره فارس، م. پ. م. / ایلامی‌ها، برای اولین بار، هویت سیاسی و فرهنگی خود را به‌دست آوردند زیرا در این زمان از قیومت میانرودانی‌ها آزاد شدند و پایتخت خود را به‌نام [نشان (ثل میلیون) در فارس بنیان نهادند. و آن‌ها بلافاصله وارد "دوره تبادل درون ایرانی" شدند و بازرگانان خود را - به اصطلاح - به کلنی‌ها در شرق ایران فرستادند؛ به‌طوری‌که پایگاه‌های تجاری خط سیر آنان را مشخص نمودند، و به هر ترتیب به سیستان، شهر سوخته در دلتای هیرمند (مندی) رسیدند. میدان سیستم نوشتاری و هنر جانوری اولیه که به آغاز ایلامی (پروتو-ایلامی) شهرت دارند در این مناطق جدید، با آفرینندگان فرهنگ عتیق در ملاقات کردند که از ترکمنستان شرقی تا کوئته، جنوب هندوکش، گسترش یافته بود.

جاه‌طلبی آغاز ایلامی‌ها بی‌شک بیش از ظرفیت و توان آن‌ها بود و "این در" پادشاهی" دو بخشی آن‌ها به‌زودی فروپاشید (۲۷۰۰ پ. م.)، اما هنوز هم می‌توانستند شماری تمدن جدید که ما به نام فرا ایلامی می‌نامیم را در بهارراه‌های کشورهای کنونی ایران و افغانستان اداره کنند. آفرینندگان این تمدن کشف‌شده در تپه بچی و شهداد، در حاشیه غرب کویر لوت، شرکای عیار فعالی برای تمدن‌های شهرنشینی بزرگ میانرودانی یعنی سومری‌ها و بعداً - امپراتوری اکد از یک‌سو - و تمدن‌های ترکمنستان و هندو-ایرانی - از سوی دیگر بودند. در نیمه هزاره سوم پ. م. فرا ایلامی‌ها خود را کاردان‌های متخصصی در فلزگری و در پرداخت سنگ‌های رنگین وارداتی، مانند مس، برنز (رخام) و ککریت و سنگ‌های نیمه گرانبها مانند فیروزه، عقیق و لاجورد مطرح نمودند. ظاهراً آن‌ها با حمل‌کنندگان نیمه‌چادر نشین کالاها در استان خلیج فارس که محصولات خود را از مناطق دورافتاده فلات ایران به سمت تمدن‌های شهری می‌آوردند ارتباط داشتند. فرا ایلامی‌ها خود را با دستاوردها و مفاهیم تمدن میانرودانی، به-خصوص شخصیت‌های اسطوره‌ای آن، مطابقت داده بودند. فلزگران فرا ایلامی تبرهای تشریفاتی و تاج‌ها را می‌ساختند که بر اساس سنت ایلامی، شاهان محلی آن را به اشخاص عالی‌مقام و مقامات بلندمرتبه پیشکش می‌کردند؛ آن‌ها همچنین مهرهای مشکی سی را به‌طور قالبی می‌ساختند که در دوره اکد به شوش و ماری، در سوریه، صادر می‌شد؛ که یکی از آن‌ها در بافتار باستان‌شناختی با تاریخ کاملاً مشخص یافت شده است.

درنهایت، در پایان هزاره سوم - آغاز هزاره دوم پ. م. بود که ایلامی‌ها از قیومت طولانی‌مدت میانرودانی آزاد شدند و حکومت پادشاهی سنتی دوگانه - ی خود را بنیاد نهادند، منتسبان نزدیک فرا ایلامی، تمدن خود را فراتر از هندوکش، به قلعه‌های ساخته‌شده در آن زمان در بلخ و مرو در شمال و کوئته و سبیری در جنوب گسترش دادند. تمدن شاکله اصلی خود را در این سرزمین‌های "فرا ایرانی" در شبکه گسترده‌ای از تبادل درون-ایرانی شکل داد، اما در گوشه‌ای از جاده تاریخ متوقف شد، به‌خاطر اینکه خط نداشت. این تمدن تا زمان فروپاشی خود در سده ۲۷ پ. م. بسیار درخشان و برجسته بود، اما از بسیاری از جهات همچنان برای ما به‌عنوان راز باقی‌مانده است. باین‌حال تصویرنگاری مهرهای استوانه‌ای، مهرهای مشکی، تعویذها و سنگ‌های تراش‌خورده، بی‌شک، اطلاعاتی غنی درباره این فرهنگ به ما می‌دهد. ویکتور ساریانیدی با شجاعت و دانش برگرفته از فهم و ادراک مجموعه‌داران و محافظان این آثار در موزه‌های اصلی جهان، اشخاصی که با در اختیار قرار دادن اسنادی که با کوشش خود گردآورده بودند، رهیافتی به این راز داشته است.

پی.یر آمیه.

بازرس عمومی محترم موزه فرانسه.